

ارتباط و ادامه مذاکره با اروپا ایراد ندارد اما باید از آنها درباره مسائلی نظیر برجام و اقتصاد قطع امید کنید. باید با نگاه شک‌آلود به وعده‌های آنها، از روند مسائل مراقبت جدی کرد.

(۱۳۹۷/۶/۷)

www.basirat.ir

## ▼ حرف روز چرا ترامپ به اروپا توهین می‌کند؟

دونالد ترامپ با وجود اینکه در فرانسه حضور داشت از شرکت در مجمع جهانی صلح پاریس خودداری کرد. این اقدام در کنار دیگر رویکردهای توهین‌آمیز رئیس‌جمهور پیش‌بینی‌ناپذیر آمریکا از منظر تحلیلگران جهانی نشانه‌هایی از افزایش فشارهای واشنگتن در عرصه‌های گوناگون به قاره سبز به شمار می‌آید که در سیر صعودی قرار گرفته است.

از توهین‌های گوناگون به رهبران اروپایی تا شرکت نکردن در نشست‌ها و پیمان‌های دوجانبه با اتحادیه اروپا و کشورهای اروپایی تا افزایش اختلافات آمریکا و اروپا با توجه به فشارهای مکرر ترامپ مبنی بر ضرورت پرداخت هزینه‌های ناتوانی از سوی اروپا و اظهار تمایل مکرون به تشکیل ارتش مستقل در برابر زیاده‌خواهی‌های آمریکا، اگرچه چشم‌انداز مبهمی را پیش روی آینده مناسبات و روابط این دو شریک غربی قرار داده؛ اما محصول نهایی آن، جدایی کامل اروپا و تعریف آن در جبهه مقابل آمریکا نخواهد بود. چرا؟ به دو دلیل؛ یک- اروپا به دلیل پاره‌ای مشکلات داخلی و عدم چسبندگی اعضای آن به مثابه ملتی واحد، عزم و اراده‌ای برای این واگرایی ندارد. دو- خاستگاه گفتمانی مشترک به گونه‌ای که آمریکا فرزند و محصول تفکر لیبرالیستی و سکولاریستی اروپایی به شمار می‌آید، در کنار ناتوانی اروپایی‌ها در پیشبرد برنامه‌ها و سیاست‌های مستقل از آمریکا، همچنان از اروپا تصویر متحدی پیرو و منفعل واشنگتن ترسیم می‌کند.

اتحادیه اروپا با ۲۸ کشور تا زمانی که به جد و با برنامه راهبردی به پیشنهادهایی از جنس تشکیل ارتش مستقل مکرون و ایجاد سازوکارهای مالی و بانکی و انرژی جدا از شبکه جهانی تحت نفوذ آمریکا جامه عمل نپوشاند، نمی‌تواند خود را از سیطره پیدا و پنهان آمریکا خارج کند. ترامپ عیار «عزم» و «توان» اروپایی‌ها را در پرونده برجام سنجید. اروپایی پرمدا قرار بود به شرط ماندن ایران در برجام پس از خروج عهدشکنانه آمریکا از این پیمان چندجانبه مورد تأیید شورای امنیت سازمان ملل، سازوکارهای بانکی و مالی برای خنثی‌سازی تحریم‌های ثانویه آمریکا و بهره‌مندی ایران از مزایای برجام راه‌اندازی کند؛ اما با گذشت شش ماه و کلید خوردن مرحله دوم تحریم‌های آمریکا علیه ایران، همچنان با وقت‌کشی پایان سال میلادی را برای گشایش سامانه ویژه خود به منظور دور زدن تحریم‌های آمریکا وعده می‌دهد. جهان با وعده‌های توخالی اروپا به این پی برده است که «کلاه آنها پشم ندارد!»

## ▼ گزارش روز

### خوش‌بینانه‌ترین حالت!

سروش، ایثار، بله، بیسفون و نام‌های متعدد دیگر که به عنوان پیام‌رسان‌های داخلی بر سر زبان‌ها افتاده، اکنون در چه حالی به سر می‌برند؟ چند میلیون عضو دارند؟ از میان اعضای آنها چند درصد فعال هستند و روزانه چه حجمی از اطلاعات در آنها جابه‌جا می‌شود؟ آیا این پیام‌رسان‌ها اکنون توان میزبانی از همه کاربران ایرانی را دارند؟ زیرساخت‌های آنان آماده پشتیبانی از بیش از ۴۰ میلیون کاربر هست؟ حمایت‌های وعده داده شده برای این پیام‌رسان‌ها به کجا رسید؟ اینها تنها بخشی از پرسش‌های پر تعداد و البته بی‌پاسخ مانده افکار عمومی است! حال در این میان و در حالی که به این پرسش‌ها پاسخ درستی داده نشده است، خبری منتشر می‌شود مبنی بر اینکه دو خبرنگاری مطرح کشور به پیام‌رسان تلگرام که با دستور قضایی فیلتر شده و رسانه‌های داخلی از فعالیت در آن منع شده بودند، بازگشته‌اند! بازگشتی که مدیران این رسانه‌ها تحت عنوان هاتگرام و پلاگرام آنها را توجیه کرده و می‌گویند چون این نرم‌افزارها فیلتر نیستند، به این معناست که حضور در آنها منعی ندارد! این در حالی است که عبدالصمد خرم‌آبادی، دبیر سابق کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه در شهریور گفته بود: «هاتگرام و پلاگرام پیام‌رسان نیستند، آنها در واقع دو فیلترشکن داخلی با مدیریت واحد هستند که به‌طور غیر قانونی و برخلاف دستور قضایی با امکانات وزارت ارتباطات دسترسی کاربران ایرانی را به شبکه اجتماعی فیلتر شده تلگرام فراهم می‌کنند.» فارغ از اینکه چرا باید به جای حمایت از پیام‌رسان‌های داخلی، هاتگرام و پلاگرام که در حقیقت همان تلگرام با قالبی دیگر هستند مورد حمایت باشند و به پیام‌رسان غالب در کشور تبدیل شوند، نکته واضح این است که ما همچنان در حوزه رسانه و سیاست‌گذاری‌های رسانه‌ای و در حوزه مدیریت رسانه با بی‌برنامگی، بلاکلیفی و در خوش‌بینانه‌ترین حالت اختلاف سلیقه روبه‌رو هستیم که این شرایط بی‌تردید آسیب‌های جدی را برای کشور به همراه خواهد داشت.

## ▼ خبر ویژه

### افشای طرح ترور دشمنان ایرانی!

برخی مقامات اطلاعاتی نزدیک به محمدبن‌سلیمان، سال گذشته از گروه کوچکی از تجار خواسته بودند از شرکت‌های‌شان برای ترور «دشمنان ایرانی پادشاهی سعودی» استفاده کنند. این مباحث نشان می‌دهد، بن‌سلیمان از حدود یک سال پیش از قتل جمال خاشقچی، روزنامه‌نگار منتقد، در پی ترور بوده است. مقامات سعودی مرگ خاشقچی را به مقامی نسبت داده‌اند که برکنار شده؛ اما احمد العسیری، در دیداری که در مارس ۲۰۱۷ برگزار شده و در آن ۲ میلیارد دلار به خرابکاری در اقتصاد ایران اختصاص داده شده است، حضور داشته است. در این جلسه برخی دستیاران ارشد العسیری خواستار ترور سردار قاسم سلیمانی شده‌اند. این بازرگانان که پیشینه اطلاعاتی نیز داشته‌اند، طرح خرابکاری در اقتصاد ایران را از یک سو سودآور و از سوی دیگر راهی برای فلج کردن کشوری می‌دانستند که هم از جانب آنها و هم از جانب سعودی‌ها تهدیدی جدی تلقی می‌شد. «جورج نادر» تاجر آمریکایی- لبنانی، کسی است که این دیدار را ترتیب داده بود. او پیشتر با محمدبن‌سلیمان دیدار کرده و طرح خود برای ایران را با کاخ سفید نیز مطرح کرده بود. فرد دیگر حاضر در جلسه «جوئل زامل» نام دارد، یک صهیونیست که ارتباط عمیقی با آژانس‌های اطلاعاتی و امنیتی رژیم صهیونیستی دارد. در جریان نشست مارس ۲۰۱۷ و پس از آنکه سعودی‌ها در زمینه عملیات قتل ایرانی‌ها تقاضا می‌کنند، تجار حاضر تردید کرده و می‌گویند باید با وکلای خود گفت‌وگو کنند. پس از گفت‌وگو با وکلا، بازرگانان مزبور تقاضای سعودی‌ها را رد می‌کنند؛ اما جورج نادر، یک شرکت انگلیسی را برای انجام این عملیات تروریستی پیشنهاد می‌دهد.